

سینمای کیارستمی و تفکر اندیشه

معصومه محمدپورسرای^{*۱}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، (Masumeh.mohammadpour@yahoo.com)

چکیده

عباس کیارستمی فیلمساز ایرانی با فیلم های خود به شهرتی بین المللی رسیده است. فیلم های او را راهی برای نقب زدن به فرهنگ پیچیده و کهن ایران می دانند. در این مقاله ابتدا به معرفی ویژگی های فرمی و زیباشناسی مشترک بین هنر سنتی ایران و فیلم های کیارستمی پرداخته شده است و سپس بازتاب طبیعت و واقع گرایانه که از مهم ترین عناصر آثار کیارستمی و هنر سنتی به شمار می رود، می پردازد. عناصر طبیعت به صورت نمادهای اسطوره ای جلوه یافته و حتی نام آثارشان با عناصر طبیعی گره خورده است. در این مقاله سعی شده تا با استفاده از نظریه نقد تخیلی گاستون باشلار، به ذهنیت هنرمند در برخورد با عناصر اولیه ی طبیعت اشاره شود و در رابطه با مفهوم واقعیت در سینمای کیارستمی از منظر فلسفه ی اسلامی ژیزک بررسی می شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که دیدگاه عارفانه حاکم بر این سینما پایه در عرفان شرقی دارد. عرفانی که طبیعت ستا و بدوی گراست. بر پایه این بدوی گرایی است که به زندگی انسان هایی که به پیرایه های تمدن آلوده نشده اند، می پردازد. در این باور فطرت آدمی پاک است و هرچه تمدن دورتر باشد، این پاکی و شفافیت بیشتر خود را نشان می دهد. دوستی، عشق، مرگ از موتیف های اصلی فیلم های کیارستمی هستند.

واژه های کلیدی: سینمای کیارستمی، ژیزک، هنرهای سنتی ایران، طبیعت